

حضرت ام البنین (علیها السلام) بانوی مردآفرین

<?xml encoding="UTF-8?">



ام البنین (علیها السلام) بانوی مردآفرین

سیزدهم جمادی الثانی، یادآور روزی غم انگیز است؛ روزی که در آن مادری فداکار و بانویی با عظمت از تبار دلاوران، به سوی معبود پر کشید.

ام البنین، مادر پسران علی (علیه السلام)، بعد از عمری تلاش، شکیبایی و استقامت با اهدای چهار فرزند رشید به پیشگاه مولایش، حسین بن علی (علیه السلام)، با دلی مالا مال از محبت و عشق، راهی دیار دوست شد و در بقیع، آرامگاه خوبان، در جوار دیگر فرزند زهرا (علیها السلام) برای همیشه رحل اقامت افکند.

نام و مشخصات

نامش فاطمه و کنیه اش ام البنین (مادر پسران) است. پدرش حزام، و مادرش ثمامه یا لیلاست. همسرش علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فرزندانش عباس (علیه السلام)، عبدالله، جعفر و عثمان هستند که هر چهار نفر در سرزمین کربلا و در رکاب امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیدند. آرامگاه وی در مدینه منوره و قبرستان بقیع است.

ولادت ام البنین (علیها السلام) در مورد تاریخ دقیق ولادت حضرت ام البنین اطلاعی در دست نیست و تاریخ

نگاران سال ولادت او را ثبت نکرده اند، ولی یاد آور شده اند که تولد پسر بزرگ ایشان، حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، در سال 26 هجری قمری اتفاق افتاده است. برخی از تاریخ‌نگاران زمان ولادت ایشان را در حدود پنج سال پس از هجرت تخمین می‌زنند.

بانویی از تبار دلاوران عرب

تاریخ گواهی می‌دهد که پدران و داییان حضرت ام البنین از دلیران عرب پیش از اسلام بوده و از آن‌ها به هنگام نبرد، دلیرمردی‌های فراوانی نقل شده است که در عین شجاعت بزرگ و پیشوای قوم خود نیز بوده اند، آن‌چنان که حاکمان زمان در برابرشان سرتسلیم فرود می‌آوردند. اینان همانان هستند که عقیل - نسب شناس بزرگ عرب و برادر علی (علیه السلام) - به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت: «در میان عرب از پدران‌ش شجاع تر و قهرمان تر یافت نمی‌شود».

انتخاب حضرت ام البنین (علیهاالسلام) برای همسری

حضرت علی (علیه السلام) بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیهاالسلام)، برادرش عقیل را - که آشنا به علم نسب شناسی عرب بود - فرا خواند و از او خواست که برایش همسری از تبار دلاوران برگزیند تا پسر دلیری برای مولا به ارمغان آورد. عقیل، فاطمه کلابیه را برای حضرت برگزید که قبیله و خاندانش، بنی کلاب، در شجاعت بی مانند بودند، و حضرت علی (علیه السلام) نیز این انتخاب را پسندید.

خواستگاری از ام البنین (علیهاالسلام)

بعد از این که عقیل شجره نامه های اعراب را بررسی و ام البنین را انتخاب کرد، حضرت علی (علیه السلام)، او را نزد پدر ام البنین فرستاد. پدر خشنود از این وصلت مبارک، نزد دختر خود شتافت و موضوع را در میان گذاشت. ام البنین نیز با سربلندی و افتخار پاسخ مثبت داد و پیوندی همیشگی بین وی و مولای متقیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) برقرار شد.

امام علی (علیه السلام)، در همسرش عقلی سترگ، ایمانی استوار، آدابی والا و صفاتی نیکو مشاهده کرد و او را گرامی داشت و از صمیم قلب در حفظ حُرمت او کوشید.

اولین روز زندگی مشترک روز اولی که ام البنین (علیها السلام) پا در خانه علی (علیه السلام) گذاشت، حسن و حسین (علیهما السلام) مریض بوده و در بستر افتاده بودند. عروس تازه ابوطالب، به محض آن که وارد خانه شد، خود را به بالین آن دو عزیز عالم وجود رسانید و هم چون مادری مهربان به دلجویی و پرستاری آنان پرداخت.

| | |
|----------------------------|--------------------------------|
| وقتی غم زهرا، شد همدم مولا | تو آمدی ای گل، در خانه گل ها |
| بر دربِ حریم، کاشانه نشستی | یعنی که کنیز، این خانه تو هستی |

تغییر نام فاطمه کلابیه

بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترک با علی (علیه السلام)، به امیرالمؤمنین پیشنهاد کرد که به جای «فاطمه»، که اسم قبلی و اصلی وی بوده، او را ام البنین صدا زند تا فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) از ذکر نام اصلی او توسط پدرشان، به یاد مادر خویش، فاطمه زهرا (علیها السلام) نیفتند و در نتیجه، خاطرات گذشته، در ذهن آن‌ها تداعی نگردد و رنج بی مادری آن‌ها را آزار ندهد.

محبت بی دریغ ام البنین (علیها السلام) به فرزندان زهرا (علیها السلام)

ام البنین بر آن بود که، در زندگی جای خالی حضرت زهرا (علیها السلام) را برای فرزندان ایشان پر کند؛ مادری که در اوج شکوفایی پژمرده شد و آتش به جان فرزندان خردسال زد: فرزندان فاطمه زهرا (علیها السلام) در وجود این بانوی پارسا، مادر خود را می‌دیدند و رنج فقدانِ مادر را کمتر احساس می‌کردند.

ام البنین (علیها السلام)، فرزندان دختر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را بر فرزندان خود مقدّم می‌داشت و بخش عمده محبت و علاقه خود را متوجه آنان می‌کرد و آن را فریضه ای دینی می‌شمرد؛ زیرا خداوند متعال در کتاب خود، همگان را به محبت آنان دستور داده است.

فرزندان ام البنین (علیه‌السلام)

ثمره زندگی مشترک ام البنین (علیه‌السلام) با حضرت علی (علیه السلام)، چهار پسر بود که به دلیل داشتن همین پسران، او را ام البنین، یعنی مادر پسران می‌خواندند. نام فرزندان ایشان به ترتیب عبارتند از: قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)، عبدالله، جعفر و عثمان. فرزندان ام البنین همگی در کربلا به شهادت رسیدند و نسل ایشان از طریق عبیدالله فرزند حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ادامه یافت.

مادر چهار شهید

با شهادت چهار فرزند ام البنین (علیه‌السلام) در کربلا، این بانوی شکیبا، به افتخار مادر شهیدان بودن نائل آمد و در کنار همسر شهید بودن، افتخاری دیگر بر صفحه افتخاراتش افزوده شد. وقتی خبر شهادت فرزندانش به او رسید، سرشک اشک از دیده فرو ریخت و با روحیه ای قوی در اشعاری گفت: «ای کسی که فرزند رشیدم عباس را دیدی که همانند پدرش بر دشمنان تاخت، فرزندان علی (علیه السلام) همه شیران بیشه شجاعتند. شنیده ام بر سر عباس عمود آهنین زدند، در حالی که دست هایش را قطع کرده بودند؛ اگر دست در بدن پسرم بود، چه کسی می‌توانست نزد او آید و با او بجنگد؟»

فرزندانم به فدای حسین (علیه السلام)

ام البنین بشیر را دید که فرستاده امام سجاد (علیه السلام) بود و به مدینه آمده بود تا مردم را از ماجرای کربلا و بازگشت کاروان امام حسین (علیه السلام) با خبر سازد. به او فرمود: ای بشیر! از امام حسین (علیه السلام) چه خبر داری؟ بشیر گفت: خدا به تو صبر دهد که عباس تو کشته گردید. ام البنین فرمود: از حسین (علیه السلام) مرا خبر ده!

بشیر خبر شهادت بقیه فرزندان او را هم اعلام کرد، ولی ام البنین پیوسته از امام حسین (علیه السلام) خبر می‌گرفت و می‌گفت: فرزندان من و آن‌چه در زیر آسمان است، فدای حسینم باد. چون بشیر خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) را به آن حضرت داد، صیحه ای کشید و گفت: ای بشیر! رگ قلبم را پاره کردی و سپس صدا به ناله و شیون بلند کرد.

این علاقه او به امام حسین (علیه السلام) دلیل کمال معنویت اوست که آن همه ایثار را در راه مقام ولایت فراموش کرد و تنها از رهبرش سخن به میان آورد.

ام البنین، پاسدار خاطره عاشورا

از ویژگی های بسیار مهم ام البنین، توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا، از مرثیه خوانی و نوحه سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلاییان را به گوش نسل های آینده برساند. ایشان هر روز به همراه پسر حضرت عباس (علیه السلام)، عبیدالله که همراه مادرش در کربلا حضور داشت و سند زنده ای برای بیان وقایع عاشورا بود، به بقیع می رفت و نوحه می خواند. او با این اشعار، هم حماسه کربلا را بازگو و هم در قالب عزاداری به حکومت وقت نوعی اعتراض می کرد و مردم را که اطراف او جمع می شدند، از جنایات بنی امیه، آگاه می نمود.

سفارش به دفاع از ولایت

هنگامی که امام حسین (علیه السلام) آهنگ ترک مدینه و تشریف برای حج و به دنبال آن هجرت به سوی عراق کرد، ام البنین (علیها السلام) به همراهان امام حسین (علیه السلام) چنین سفارش می کرد: «چشم و دل مولایم امام حسین (علیه السلام) و فرمان بردار او باشید».

ام البنین (علیها السلام)، واسطه فیض الهی

ام البنین، همسر علی (علیه السلام) و مادر سردار کربلا، نزد مسلمانان جایگاهی ویژه دارد، چون نزد خداوند از مقام و منزلتی والا برخوردار است، و این مقام به واسطه تقدیم خالصانه فرزندان در راه خدا و استواری و عبودیت ایشان است. از این رو، مؤمنان حاجت مند و دردمند او را به درگاه حضرت باری تعالی شفیع و واسطه قرار می دهند، و غم و اندوهشان را با زیارت مزار آن بانو می زدایند.

اهل بیت (علیهم السلام) و ام البنین (علیها السلام) محبت بی شائبه

ام البنین در حق فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و فداکاری فرزندان وی در راه سیدالشهدا، در تاریخ بی پاسخ نماند. اهل بیت (علیهم السلام) هم در احترام و بزرگداشت وی کوشیدند و بسیار از او قدردانی کرده، او را سپاس گفتند.

زینب کبری (علیها السلام) پس از رسیدن به مدینه، به محضرش شتافت و شهادت فرزندانش را به او تسلیت گفت. ایشان هم چنین در مناسبت های دیگر مثل عیدها، برای ادای احترام، به محضر ام البنین (علیها السلام) مشرف می شد.

سخن بزرگان در بیان فضایل ام البنین (علیها السلام)

عالم جلیل القدر، زین الدین عاملی، شهید ثانی درباره حضرت ام البنین (علیها السلام) می گوید: «ام البنین از بانوان با معرفت و پر فضیلت بود. نسبت به خاندان نبوت، محبت و دلبستگی خالص و شدید داشت و خود را وقف خدمت به آنها کرده بود. خاندان نبوت نیز برای او جایگاه والایی قائل بودند و به او احترام ویژه می گذاشتند.» هم چنین علامه سید محسن امین می گوید: «ام البنین (علیها السلام)، شاعری خوش بیان و از خانواده ای اصیل و شجاع بود.» علی محمد علی دُخَیْل، نویسنده معاصر عرب در وصف این بانوی بزرگوار می نویسد: «عظمت این زن (ام البنین) در آن جا آشکار می شود که وقتی خبر شهادت فرزندانش را به او می دهند، به آن توجه نمی کند، بلکه از سلامت حضرت امام حسین (علیه السلام) می پرسد؛ گویی امام حسین (علیه السلام) فرزندِ اوست نه آنان».

روزهای آخر

زندگی سراسر مهر و عاطفه و مبارزه ام البنین (علیها السلام)، رو به پایان بود. او به عنوان همسر شهید، رسالت خویش را به خوبی به پایان رسانید و فرزندانی تربیت کرد که فدایی ولایت و امامت بودند. او، بعد از زینب کبری (علیها السلام) دار فانی را وداع گفت، ولی تاریخ نگاران سال ارتحال او را متفاوت نگاشته اند، به طوری که عده ای آن را 18 جمادی الثانی سال 64 قمری بیان کرده اند و عده دیگری تاریخ وفات آن مادر فداکار را، سیزدهم جمادی الثانی سال 64 قمری دانسته اند که نظر دوم از شهرت بیشتری برخوردار است. ام البنین را در بقیع، در جوار امام حسن مجتبی (علیه السلام)، فاطمه بنت اسد (علیها السلام) و دیگر شخصیت های اسلامی مدفون در آن جا به خاک سپردند.

در رثای حضرت ام البنین (علیها السلام)

| | |
|---|------------------------------------|
| این جا مزار فاطمه (علیها السلام)، ام البنین است | یا مادری غم دیده مدفون زمین است |
| این جا نهاده سر به خاک غربت و غم | مظلومه ای کز مرگ گل هایش غمین است |
| در دامنش پرورده سرداری چو عباس | آری چنین زن، مادری شیرآفرین است |
| شد جان او آزرده از رنج زمانه | بر سینه اش چون لاله داغی آتشین است |

بخشی از زیارت نامه ام البنین (علیها السلام)

سلام بر تو ای همسر جانشین رسول الله (علیه السلام) ؛
 سلام بر تو که محبوب زهرایی؛
 سلام بر تو ای مادر ماه های درخشان؛
 خدا و رسولش را گواه می گیرم که تو با اهدای فرزندان و قربانی کردن آن ها در راه آرمان های حسین (علیه السلام) جهاد نمودی؛
 گواهی می دهم که تو یار و یاور امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) در سختی ها، مشکلات و مصیبت ها بوده ای ؛
 گواهی می دهم که به خوبی از عهده سرپرستی و نگهداری فرزندان زهرای اطهر (علیها السلام) و ادای امانت ایشان برآمدی؛
 تو در نزد خداوند از مقام و منزلت بالایی برخورداری؛ سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت!

سلام بر مادر پسران

| | |
|--|---------------------------|
| السلام ای گوهر دریای عشق | السلام ای لاله صحرای عشق |
| السلام ای مظهر صبر و وفا | السلام ای زوجه شیر خدا |
| السلام ای باغبان لاله ها | ای به حیرانت همه آلاله ها |
| خوانده ای خود را کنیز فاطمه (علیها السلام) | داده ای درس محبت بر همه |

| | |
|--|-------------------------------------|
| مادر غریب کسی که غم به دلش کرده آشیانه منم | شرار درد به جانش کشد زبانه، منم |
| کسی که مادر خوش‌بخت روزگاران است | ولیک تیرِ بلا را بود نشانه، منم |
| کسی که همسری با علی بُود فخرش | ولیک غم زده بر هستی‌اش زبانه، منم |
| کسی که سیده ام البنین بود نامش | ولیک مانده از این نام بی نشانه منم |
| شدم غریب پس از عون و جعفر و عباس | کسی که بار غریبی کشد به شانه منم |
| کسی که چار پسر بوده حاصل عمرش | که از شهادتشان خورده تازیانه منم |
| غریب دشتِ بلا را، دریغ مادر نیست | کسی که گریه بر او کرده مادرانه، منم |